

روز عمّدتو

نهم ربیع الاول
سالروز آغاز امامت
امام زمان



وَالْمُسْتَشْبِهِينَ لِأَمْرِهِ
وَالْمُحَامِلِينَ عَنْهُ
وَالسَّائِفِينَ إِلَى إِرَادَتِهِ
وَالْمُسْتَشْهِدِينَ بَيْنَ يَدَيْهِ

روز عمّدتو

آثار پایداری بر عهد با امام

برپایه روایات، اساسی ترین سبب سربلندی در سختی های عصر غیبت، پایبندی به عهد و میثاق با حجت خدای متعال است. امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام در بیانی به مفضل بن عمر می فرماید: بر شما باد دوری از خودنمایی و شهرت طلبی، آگاه باشید! به خدا سوگند به طور قطع امام شما سال هایی غایب خواهد شد و در این زمان شما در سختی قرار می گیرید، تا جایی که عده ای می گویند او مرده یا کشته شده یا در سرزمین های دور دست قرار گرفته، و دیده می مومنان بر او گریان خواهد بود، و شما در این زمان همانند کشتی گرفتار به طوفان، به اضطراب میافتید، پس در چنین موقعیتی نجات نمی یابید مگر کسی که خداوند پیمان او را محکم گرفته باشد و در دلش ایمان را ثبت کرده و او را با فرشته ی مخصوصی از جانب خود تأیید نماید....

عواقب عدم پایداری بر عهد با امام

امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام در توقیع خویش به شیخ مفید می فرماید: اگر پیروان ما دل هایشان در وفاداری نسبت به عهدی که بر ایشان است، جمع بود؛ هرگز مبارکی دیدار ما از ایشان به تأخیر نمی افتاد و به تحقیق که خوشبختی دیدار ما، توأم با معرفت و صداقت نسبت به ما برایشان شتاب می یافت. تصریح به مانع بودن «عهد شکنی» برای «همراهی با حجت خدا»، ضرورت بر طرف نمودن آن را گوشزد می کند. این ضرورت هنگامی روشن ترمی شود که پیروان اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام به گرفتاری ها و ناملایماتی که به سبب دوری از امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام، دامن گیر جامعه شیعه شده و قوف بیشتری پیدا کنند؛ یکی از این گرفتاری ها را می توان خواری اجتماعی، سیاسی در مواجهه با فاسقان ارزیابی نمود. ... ما گرچه به حسب صلاح دید الهی نسبت به خود و شیعیان مومن مان، تا زمانی که دولت دنیا به دست فاسقان است، از محل زندگی ستمگران دور هستیم؛ ولی آگاهی کامل از احوال ایشان داشته و هیچ خبری از آن ها بر ما پوشیده نیست. و ما از ذلتی که دامن گیر آن ها شده آگاهیم و این به سبب آن است که ایشان، کارهای ناپسندی را مرتکب شده اند که پیشینیان نشان از آن کارها دوری می کردند. و نیز پیروان ما، پیمانی که از آن ها گرفته شده بود را چنان پشت سر نهاده اند که گویی از آن هیچ خبری ندارند.... بنابراین اگر جامعه ی شیعی در پی رسیدن به سربلندی حقیقی در پرتو بهره مندی از وجود حجت الهی است، راهی جز وفاداری نسبت به پیمانی که با آن حضرت بسته ندارد؛ پیمانی که در چهارچوب پایبندی به واجبات و دوری از حرام ها تجلی می یابد.

روز عمّدتو

گواهی می دهم که به وسیله ولایت شما اعمال پذیرفته می شود و کردار پاک می گردد و خوبی ها چند برابر گردد و بدی ها از بین می رود، پس هر که ولایت شما را آورد و به امامت شما اعتراف نمود، اعمالش پذیرفته و گفته هایش مورد تصدیق قرار گیرد و خوبی هایش چند برابر و بدی هایش محو شود و هر که از ولایت شما منحرف شد و به شناخت شما جهل ورزید و شما را با دیگری عوض کرد خدا او را با صورت به آتش در اندازد و عملی را از او نپذیرد و برای او در قیامت میزان سنجشی برپا نکند. این بخش در واقع نتایج سریچی از دو بخش گذشته را گوشزد می کند که اگر کسی به جای امام، سربه اطاعت دیگران بنهد، اهل جهنم خواهد شد. در ادامه زیارت و پس از این سه گواهی، زائر، خدای متعال، ملائکه و امام را شاهد می گیرد که آنچه بر زبان جاری نموده «عهد و میثاق» او با حجت خداست. أَشْهَدُ اللَّهَ وَأَشْهَدُ مَلَائِكَتَهُ وَأَشْهَدُكَ يَا مَوْلَايَ بِهَذَا، ظَاهِرُهُ كِبَايُطِهِ، وَسِرُّهُ كَعَلَانِيَّتِهِ، وَأَنْتَ الشَّاهِدُ عَلَى ذَلِكَ، وَهُوَ عَهْدِي إِلَيْكَ وَمِيثَاقِي لَدَيْكَ؛ خدا و فرشتگان و تو را می مولایم به این حقایق که ظاهرش مانند باطن آن و نهانش چون آشکار آن است، گواه می گیرم و تو بر آن گواهی، و آن عهد و پیمان من با تو و نزد توست.

علت پیمان با امام

در ادامه زائر، علت این پیمان را نیز بیان می کند که: إِذْ أَنْتَ نِظَامُ الدِّينِ، وَتَعْصُوبُ الْمُتَّقِينَ، وَعِزُّ الْمُتَّوَجِّدِينَ، وَبِذَلِكَ أَمَرَنِي رَبُّ الْعَالَمِينَ یعنی امام «نظام دین»، «پناهگاه اهل تقوا» و «عزت یکتاپرستان» است و به سبب برخورداری از چنین جایگاهی دستور خدای متعال مبنی بر برقراری پیمان با او صادر گردیده است. در نهایت هم تأکید و تصریح می کند که اگر چه از انعقاد این پیمان سال ها بگذرد اما من نسبت به آن پایبند بوده و در هنگامه ی جهاد در رکاب شما، هستی خویش را تقدیم خواهم کرد. فَلَوْ تَطَوَّلَتِ الدُّهُورُ وَتَمَادَتِ الْأَعْمَارُ، لَمْ أَزِدْ فِيكَ إِلَّا تَقِينًا، وَلَكَ إِلَّا حُبًّا، وَعَلَيْكَ إِلَّا مُتَّكِلًا وَمُعْتَمِدًا، وَلِيُظْهِرَكَ إِلَّا مُتَوَقِّعًا وَمُنْتَظَرًا وَلِجِهَادِي بَيْنَ يَدَيْكَ مُتَرَقِّبًا؛ فَأَبْدُلْ نَفْسِي وَمَالِي وَوَلَدِي وَأَهْلِي وَجَمِيعَ مَا حَوَّلَنِي رَبِّي بَيْنَ يَدَيْكَ وَالْتَصَرَّفْ بَيْنَ أَمْرِكَ وَتَهْيِكَ؛ پس اگر روزگارا طولانی گردد و عمرها امتداد یابد، مرا نیز فزاید در باره تو جز یقین و نسبت به تو جز محبت و بر تو جز توکل و اعتماد و برای ظهورت جز توقع و انتظار و برای جهادم در پیشگاهت چشم به راهی؛ پس جان و مال و فرزند و خاندانم و همه آنچه را خدا به من داده، پیش رویت در مقابل امر و نهیت نثار می کنم.

روز عمّدتو



بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج)

۰۲۱۸۶-۳۵۸۶۳
۰۲۱۸۶-۳۵۸۶۱
۰۲۱۸۶-۳۴۲۹۷
۳۰۰۱۳۶۶

تهران، خیابان ولیعصر، بلوار طالقانی
میدان فلسطین، ساختمان ستاد اقامه نماز

mahdaviat.ir
info@mahdaviat.ir

با ما باشید....



@chashmbe_rah



روز عیدو

بررسی عملکرد حدود ۲۵۰ ساله شیعیان^۱ و توجه به رفتارهای ایشان در طول این مدت، نمایان‌گر این واقعیت است که پس از به‌شهادت رسیدن هرکدام از معصومین علیهم‌السلام، پیروان هدایت یافته‌ی ایشان دو کار را وظیفه خود دانسته و به انجامش اهتمام می‌ورزیدند؛ یکی تسلیت و تعزیت نسبت به مصیبت امام پیشین و دیگری تجدید پیمان و عهد با امام حاضر.

اهمیت پایداری بر عهد و پیمان

با مرور منابع اسلامی، روشن می‌شود مهم‌ترین وظیفه‌ی مسلمانان و به طور خاص شیعیان اهل بیت علیهم‌السلام، پایداری بر عهد و پیمانی است که میان ایشان با اولیاء دین بسته شده و مرکز و نقطه‌ی محوری این عهد هم امام معصوم است.

حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالیه در ابتدای توقیع خویش به مرحوم شیخ مفید رحمته‌الله می‌فرماید:

مِنْ مُسْتَوْدِعِ الْعَهْدِ الْمَأْخُودِ عَلَى الْعِبَادِ

از جایگاه پیمانی که [از جانب خداوند] بر عهده بندگان نهاده شده.

آن حضرت برای معرفی خود از میان تمامی عناوین الهی، این عنوان را برگزیده تا این مهم را خاطر نشان نماید که بی‌توجهی به محتوای عهد‌ها بازگشتش بی‌توجهی به محور اصلی آنها یعنی «امامت» خواهد بود.

افزون بر این، پایداری بر این عهد تا آن میزان از اهمیت برخوردار است که امام صادق علیه‌السلام ضمن بیان «دعای عهد» - که عهدنامه‌ی شیعیان با امام است - پیروان خود را ترغیب می‌کند که با خواندن آن در ابتدای هر روز بر پیمان خود با حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالیه تأکید نموده و مراقبت نمایند تا نسبت به آن کوتاهی نمایند و در صورت پایبندی به آن، یکی از پاداش‌های ایشان، لیاقت مندی برای رجعت خواهد بود.

پیشینه

قرآن کریم در آیات متعدد بیان می‌کند که خدای متعال از انسان‌ها پیمان محکمی مبنی بر پذیرش ربوبیت الهی و پایداری بر ولایت گرفته است.

﴿وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَىٰ شَهِدْنَا ۗ﴾

و هنگامی را که پروردگارت از پشت فرزندان آدم ذریه آنان را برگرفت و ایشان را بر خودشان گواه ساخت که آیا پروردگار شما نیستیم، گفتند: چرا، گواهی دادیم.

۱. از زمان رحلت پیامبر گرامی خدا صلی‌الله‌ع‌یه‌وآله‌وآل‌ه‌س‌لم تا شهادت امام حسن عسکری علیه‌السلام

۲. سوره اعراف، آیه ۱۷۲

روز عیدو

در این آیه سخن از پیمانی است که خدای متعال در «عالم ذر» از انسان‌ها گرفته و موضوع آن نیز «ربوبیت الهی» است.

واژه «رَبِّ» متشکل از دو عنصر معنایی «مالکیت» و «مدیریت» است؛ یعنی کسی که بر عهد خویش با خدای متعال پایدار باشد، هم مالکیت و هم مدیریت الهی را پذیرفته است. لغت‌شناسان رابطه‌ی میان «مالکیت و مدیریت» نهفته در «ربوبیت» را با «ولایت» مترادف دانسته‌اند؛ از این رو «ولایت» الهی ترجمان «ربوبیت» حضرت حق خواهد بود.

با توجه به این نکته و یاد نظر گرفتن آیه ۵۵ سوره مبارک مائده می‌توان گفت مجرای «مدیریت الهی» در عالم هستی در مرحله نخست پیامبر اکرم صلی‌الله‌ع‌یه‌وآله‌وآل‌ه‌س‌لم و پس از ایشان، امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام است.

﴿إِنَّمَا وُضِعَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ﴾

ولی شما تنها خدا و پیامبر اوست و کسانی که ایمان آورده‌اند همان کسانی که نماز برپا می‌دارند و در حال رکوع زکات می‌دهند.

ولایت امام معصوم، در طول ولایت رسول خدا صلی‌الله‌ع‌یه‌وآله‌وآل‌ه‌س‌لم، مسیر اجرای ولایت خدای حکیم بر هستی است، و این ولایت همان ترجمان مدیریت پروردگار متعال بوده که در آیه ۱۷۲ سوره اعراف از آن با عنوان «ربوبیت» یاد شده است.

در نتیجه، پذیرش سرپرستی چنین امامی ملازم است با پذیرش ربوبیت الهی که مرکز اصلی پیمان الهی از تمام فرزندان آدم بوده است. از این رو امام مهدی عجل‌الله‌تعالیه در ابتدای توقیع، خود را با عنوان «مستودع عهد الهی» معرفی می‌کند.

همچنین در ابتدای زیارت آل یاسین، امام زمان علیه‌السلام با عنوان میثاقی معرفی می‌شود که خدای متعال آن را بین خود و بندگان برقرار نموده، و آن میثاق را محکم کرده.

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مِيثَاقَ اللَّهِ الَّذِي أَخَذَهُ وَوَكَّدَهُ»

سلام بر تو ای پیمان محکمی که خدا آن را گرفته و مورد تأکید قرارش داده.

و همچنین در آیات دیگر قرآن، از آن عهد الهی با عنوان عدم پرستش شیطان یاد شده:

﴿أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ﴾

ای فرزندان آدم مگر با شما عهد نکرده بودم که شیطان را مپرستید زیرا وی دشمن آشکار شماست.

مجموع این آیات، رهنمون‌کننده این مطلب است که پایداری بر عهد با امام زمان علیه‌السلام - که ریشه در پیمان خدای متعال با آدمیان در عالم ذر دارد - به منزله‌ی پذیرش بندگی الهی و سرنهادن به مدیریت خدای متعال بوده و سر باز زدن از آن، خروج از ولایت الهی و پرسش شیطان خواهد بود.

۱. سوره یس، آیه ۶۰

روز عیدو

محتوای عهد

برای تبیین محتوای این عهد و پیمان، ادعیه و زیارت‌های گوناگونی را می‌توان مورد بررسی قرار داد که فضای کلی حاکم بر آنها پایداری در مسیر اطاعت و فرمانبرداری است. به عنوان مثال در یکی از زیارت‌هایی که برای امام زمان علیه‌السلام نقل شده و کمتر مورد توجه قرار گرفته چنین آمده:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَلِيفَةَ اللَّهِ وَخَلِيفَةَ آيَاتِهِ الْمُهَدِّتِينَ....

أَشْهَدُ أَنَّكَ الْحُجَّةُ عَلَىٰ مَنْ مَضَىٰ وَمَنْ بَقِيَ، وَأَنَّ حَرْبَكَ هُمُ الْعَالِيُونَ، وَأَوْلِيَاءَكَ هُمُ الْفَائِزُونَ، وَأَعْدَاءَكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ، وَأَنَّكَ خَازِنُ كُلِّ عِلْمٍ، وَفَاتِحُ كُلِّ رَحْمٍ، وَمُحَقِّقُ كُلِّ حَقٍّ، وَمُبْطِلُ كُلِّ بَاطِلٍ، رَضِيثِكَ يَا مَوْلَايَ إِمَاماً وَهَادِياً وَوَلِيّاً وَمُرْشِداً لَا أُبْتَغِي بِكَ بَدَلاً، وَلَا أُخِذُ مِنْ دُونِكَ وَلِيّاً؛

أَشْهَدُ أَنَّكَ الْحَقُّ الثَّابِتُ الَّذِي لَا عَيْبَ فِيهِ، وَأَنَّ وَعْدَ اللَّهِ فِيكَ حَقٌّ، لَا زَيْتَابَ لَطُولِ الْعَيْبَةِ وَيُعَدُّ الْأَمْدُ، وَلَا أُخْتَرِّعُ مَعَ مَنْ جِهَلَكَ وَجَهَلَ بِكَ، مُنْتَظَرٌ مُتَوَقَّعٌ لِأَيَّامِكَ، وَأَنْتَ السَّافِعُ الَّذِي لَا تُنَازَعُ، وَالْوَلِيُّ الَّذِي لَا تُدَافَعُ، دَخَرَكَ اللَّهُ لِنُصْرَةِ الدِّينِ، وَإِعْزَازِ الْمُؤْمِنِينَ، وَالْإِنْتِقَامِ مِنَ الْمُجَاحِدِينَ الْمَارِقِينَ؛

أَشْهَدُ أَنَّ بَوْلَاتِيكَ تُقْبَلُ الْأَعْمَالُ، وَتُرَكَّبِي الْأَفْعَالُ، وَتُضَاعَفُ الْحَسَنَاتُ، وَتُمْتَحَى السَّيِّئَاتُ، فَسَنُ جَاءَ بِوَلَاتِيكَ، وَاعْتَرَفَ بِإِمَامَتِكَ، قُبِلَتْ أَعْمَالُهُ، وَصَدِّقَتْ أَقْوَالُهُ، وَتَضَاعَفَتْ حَسَنَاتُهُ، وَمُحِبَّتْ سَيِّئَاتُهُ، وَمَنْ عَدَلَ عَنِّي وَلَاتِيكَ، وَجَهَلَ مَعْرِفَتَكَ، وَاسْتَبَدَّلَ بِكَ غَيْرَكَ كَبْتَهُ اللَّهُ عَلَىٰ مَنْخَرِهِ فِي النَّارِ وَلَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ لَهُ عَمَلاً، وَلَمْ يُعَمِّمْ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَرِثَاً أَشْهَدُ أَنَّكَ يَا مَوْلَايَ هَدَا، ظَاهِرُهُ كِبَاطِيهِ، وَسِرُّهُ كَعَلَابِيَّتِيهِ، وَأَنْتَ الشَّاهِدُ عَلَىٰ ذَلِكَ، وَهُوَ عَهْدِي إِلَيْكَ وَمِيثَاقِي لَدَيْكَ إِذْ أَنْتَ نِظَامُ الدِّينِ، وَنِعْسُوثُ الْمُتَّقِينَ، وَعَزُّ الْمُؤَحِّدِينَ، وَبَدَلُكَ أَمْرِي رَبُّ الْعَالَمِينَ....^۱

این فراز از زیارت امام دوازدهم به چهار بخش تقسیم می‌شود، در سه بخش نخست به سه موضوع، شهادت داده می‌شود. آنچه حائز اهمیت است این است که بعد از هر کدام از سه شهادت، مطالبی به زبان جاری می‌شود که در واقع می‌توان هر کدام از آن‌ها را به منزله‌ی پیمانی قلمداد نمود. زانروقتی به بخش چهارم و انتهای بی این فراز می‌رسد در آن، خداوند و امام زمان علیه‌السلام را گواه می‌گیرد که آنچه پیش از این بر زبان جاری نموده عهد و میثاق او با امامش است.

۱. ابن المشهدی، المزار الكبير، زیارة أخرى له علیه‌السلام. ص ۵۸۶؛ مفتاح الجنان، زیارت دوم امام زمان رحمته‌الله (زیارت مخصوص سرداب مطهر).

روز عیدو

گواهی اول ...

این شهادت با این عبارت آغاز می‌شود:

أَشْهَدُ أَنَّكَ الْحُجَّةُ عَلَىٰ مَنْ مَضَىٰ وَمَنْ بَقِيَ ، ...

در پایان این گواهی، خطاب به امام زمان عجل‌الله‌تعالیه چنین اعلام می‌شود:

رَضِيثِكَ يَا مَوْلَايَ إِمَاماً وَهَادِياً، وَوَلِيّاً وَمُرْشِداً، لَا أُبْتَغِي بِكَ بَدَلاً، وَلَا أُخِذُ مِنْ دُونِكَ وَلِيّاً؛

من به تو راضی شدم ای مولایم برای پیشوا بودن و راهنما و سرپرست و رهبری و دیگری را به جای تو نجویم و به غیر تو سرپرستی نگیرم.

اعلام رضایت به امامت، هدایت‌گری، ولایت و ارشاد حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالیه و عوض نمودن آن حضرت با شخص یا چیز دیگری در این عرصه‌ها، می‌تواند از مهم‌ترین مفاد عهدنامه‌ای باشد که میان یک شیعه با امامش برقرار می‌شود. چرا که نپذیرفتن یا بی‌توجهی به هر کدام از این امور نتیجه‌ای ناگوار به دنبال خواهد داشت.

گواهی دوم ...

أَشْهَدُ أَنَّكَ الْحَقُّ الثَّابِتُ الَّذِي لَا عَيْبَ فِيهِ لَا أُخْتَرِّعُ مَعَ مَنْ جِهَلَكَ وَ جَهَلَ بِكَ، مُنْتَظَرٌ مُتَوَقَّعٌ لِأَيَّامِكَ؛

گواهی می‌دهم که تویی آن حق ثابت که عیبی در آن نیست.... شک نمی‌کنم و با آنان که تو را نشناختند و به تو جهل ورزیدند، سرگردان نشوم، منتظر و متوقع روزهای شما هستم.

در این بخش نیز نتیجه جهل به حجت خدا، تحجیر و سرگردانی معرفی می‌شود و در مقابل آن، انتظار قرار می‌گیرد؛ گویا لازمه‌ی انتظار حقیقی که دور از هرگونه آفت است، معرفت به ولی خدا و بر حذر بودن از جهل نسبت به آن حضرت است.

گواهی سوم ...

شهادت سوم در زیارت امام زمان علیه‌السلام چنین است:

أَشْهَدُ أَنَّ بَوْلَاتِيكَ تُقْبَلُ الْأَعْمَالُ، وَتُرَكَّبِي الْأَفْعَالُ، وَتُضَاعَفُ الْحَسَنَاتُ، وَتُمْتَحَى السَّيِّئَاتُ، فَسَنُ جَاءَ بِوَلَاتِيكَ، وَاعْتَرَفَ بِإِمَامَتِكَ، قُبِلَتْ أَعْمَالُهُ، وَصَدِّقَتْ أَقْوَالُهُ، وَتَضَاعَفَتْ حَسَنَاتُهُ، وَمُحِبَّتْ سَيِّئَاتُهُ، وَمَنْ عَدَلَ عَنِّي وَلَاتِيكَ، وَجَهَلَ مَعْرِفَتَكَ، وَاسْتَبَدَّلَ بِكَ غَيْرَكَ كَبْتَهُ اللَّهُ عَلَىٰ مَنْخَرِهِ فِي النَّارِ وَلَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ لَهُ عَمَلاً، وَلَمْ يُعَمِّمْ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَرِثَاً؛